



سال دهم • پاییز و زمستان ۱۴۰۳ • شماره ۲۱

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 1, No. 21, Autumn & Winter 2025

الگوی رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری

علی صادقی سرشت*

چکیده

رشد معنوی، یکی از مهم‌ترین وجوه توسعه انسانی است. این پژوهش با هدف ترسیم الگوی رشد معنوی بر اساس دیدگاه شهید مطهری انجام شد. روش پژوهش تحلیل محتوای تجمعی بود. ابتدا داده‌ها گردآوری و سپس در نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ کدگذاری شد. در مجموع در فرایند کدگذاری، ۱۳۹ کد باز انتخاب شد که به ۲۲ کد محوری و در نهایت ۵ کد انتخابی به دست آمد. یافته‌ها نشان داد رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری، نمایان ساختن استعدادهای مهم‌ترین سرمایه‌های حیات انسانی یعنی بُعد روحی و معنوی انسان در سایه شناخت و لیاقت است، و موضوع تحقق رشد معنوی همان روح الهی است، و مسیر کلی رشد انسان از دیدگاه شهید مطهری سیر کلی از خود درآمدن و رسیدن به حق است و عوامل رشد معنوی مشتمل بر عوامل زمینه‌ساز (نعمت‌های الهی، دین و وحی، ایمان، تفکر) و عوامل آشکارساز (شناخت صحیح، نیت صالح، اعمال صالح، زهدورزی، آزمون‌های معنوی، خودسازی، انس با قرآن) است؛ همچنین از دیدگاه شهید مطهری، موانع رشد معنوی عبارت‌اند از: روح‌گریزی، فطرت‌گریزی، عقل‌گریزی، مذهب‌گریزی، و ایمان‌گریزی.

کلیدواژه‌ها: رشد، معنویت، رشد معنوی، عوامل رشد، موانع رشد.

* استادیار گروه روان‌شناسی اسلامی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران sad13566@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۶

مقدمه

رشد معنوی، یکی از مهم‌ترین وجوه اساسی توسعه انسانی است و نقش اثرگذاری در شکل‌گیری شخصیت دارد. این رشد، از تحصیل کمالات علمی و عملی، ایمانی و اخلاقی در استعداد و قابلیت انسان نشئت می‌گیرد و درک عمیق‌تری از معنا و هدف زندگی برای انسان‌ها فراهم کرده و کمک می‌کند تا آنها با توسعه این وجوه ممتاز، به سمت کمال و غایت خود پیش روند (ر.ک: گال،^۱ هندریکس،^۲ دولاهیت،^۳ و مارکس،^۴ ۲۰۲۳). در قرآن کریم رشد معنوی به‌عنوان هدف اصلی و غایی انسان تلقی می‌شود (ذاریات: ۵۶).^۵ امروزه که تغییرات سریع و پیچیدگی‌های فرهنگی، اخلاقی و روانی دنیای ما را فرا گرفته است، نیاز به درک و توسعه رشد معنوی بیش از پیش احساس می‌شود (ر.ک: جونیارثا،^۶ ۲۰۲۰)؛ چراکه در واقع، رشد معنوی نقش مهمی در ایجاد تعادل بین ابعاد مختلف زندگی انسان ایفا می‌کند و می‌تواند به افراد کمک کند تا علاوه بر رشد جسمانی و عقلی، به تعالی روحی نیز دست یابند و از این طریق به یک شخصیت کامل و متعادل برسند (ر.ک: زارع بیدکی و میردهقان، ۱۳۹۸). از سویی رشد معنوی منجر به افزایش کیفیت زندگی افراد می‌شود؛ چراکه به آنها کمک می‌کند تا معنا و هدف زندگی خود را بهتر درک کنند، به آرامش درونی دست یابند و رضایت بیشتری از زندگی خود احساس کنند (ر.ک: رف،^۷ ۲۰۲۱). این امر به‌نوبه خود می‌تواند به بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی و افزایش کارایی افراد در جامعه منجر شود؛ همچنین در دنیای مدرن، افراد با چالش‌های متعددی از جمله بحران‌های اخلاقی، استرس‌ها و فشارهای روانی مواجه هستند و رشد معنوی می‌تواند به‌عنوان یک منبع قوی در مقابله با این چالش‌ها عمل کند؛ چراکه به افراد کمک می‌کند تا با دیدگاه‌های مثبت‌تر و امیدبخش‌تری با مشکلات مواجه شوند و از این طریق به سلامت روانی و اخلاقی بیشتری دست یابند (ر.ک: دهرینگ،^۸ ۲۰۱۹)؛ همچنین رشد معنوی به افراد کمک می‌کند پتانسیل‌های درونی و استعداد‌های نهفته خود را از طریق خودشناسی و شناسایی استعدادها و توانمندی‌های خود، به بالاترین سطح کمال انسانی برسانند و در نهایت بتوانند نقش مثبت‌تر در زندگی فردی و اجتماعی ایفا کنند. از سویی رشد معنوی به تقویت ارزش‌های انسانی و اجتماعی

1. Gale, M.

2. Hendricks, J. J.

3. Dollahite, D. C.

4. Marks, L. D.

۵. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

6. Juniartha, M. G.

7. Ryff, C. D.

8. Doehring, C.

همچون عدالت، صداقت، نوع دوستی و مسئولیت پذیری کمک می کند. این ارزش ها پایه های اساسی یک جامعه سالم و پیشرفته هستند و بنابراین توجه به رشد معنوی نه تنها برای فرد؛ بلکه برای جامعه نیز حائز اهمیت است.

آثار شهید مطهری که ریشه در تفکر اسلامی دارند، منبعی غنی برای بررسی و تحلیل رشد معنوی هستند که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته اند و درک آن دیدگاه ها می تواند زمینه ساز تأثیراتی عملی در حوزه آموزش، مشاوره و توسعه شخصی در بستری اسلامی باشد. بررسی آثار پژوهشگران در این حوزه نشان می دهد که آنها با نظرگاه های مختلفی همچون «شاخص های معنویت»، «تأثیر معنویت بر ابعاد فردی»، «هدف و غایت تربیت»، «مبانی تربیت اخلاقی»، «عدالت تربیتی»، «خدای محوری و التزام به متن مقدس» و «نقد روش نظریه پردازی شهید در بحث رشد» به تحلیل آثار و نظریات این اندیشمند بزرگ، پرداخته و تلاش کرده اند تا ابعاد گوناگون معنویت را واکاوی کنند و هیچ کدام به صورت مستقل و یا ضمنی به بررسی آثار شهید مطهری و

ارائه الگوی نظری ایشان درباره رشد معنوی نپرداخته اند؛ برای مثال، مروتی و بیرانوند (۱۳۹۲) در بررسی شاخص های معنویت در اندیشه شهید مطهری بیان می کنند معنویت شامل چهار شاخص دانایی، توانایی، زیبایی و نیکویی است و انسان معنوی کمال جو و آرمان خواه است که با استفاده از علم و ایمان و با آزادی و اختیار، سعی در به فعلیت رساندن قوای معنوی خود دارد. کامفیروزی، بنیادی و مهری (۱۳۹۴) در بررسی تأثیر معنویت بر ابعاد فردی بیان می کنند از دیدگاه شهید مطهری، معنویت بر ویژگی های فکری و ادراکی، رفتاری، اخلاقی، شخصیتی و فرافردی تأثیرگذار است. قوچانی، ایمانی، محمودنیا و رضازاده (۱۴۰۲) در بررسی هدف و غایت تربیت مبتنی بر دیدگاه شهید مطهری بیان می کنند تربیت باید بر شناخت فطرت و استعداد های انسان استوار باشد و هدف آن شکوفایی استعدادها و تکامل انسان است؛ تعادل بین استعداد های مختلف انسان و آزادی در انتخاب مسیر تربیت از الزامات اساسی تربیت هستند و هدف نهایی تربیت وصول به قرب الهی و تعالی روح انسان است. همچنین ملکی (۱۳۸۳) از دیدگاه شهید مطهری، هدف نهایی تربیت اسلامی را الهی شدن انسان معرفی کرده و بیان می کند فطرت معنوی انسان نقشی اساسی در این تربیت داشته و تربیت واقعی با پیوند تربیت و معنویت معنا پیدا می کند. بهشتی، مدور و فرمینی فراهانی (۱۳۹۹) نیز در برداشت مبانی تربیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری بیان می کنند تربیت اخلاقی بر اساس فطرت الهی انسان و مبتنی بر رشد ایمان و تفکرات دینی است، و این تربیت در راستای پرورش روح و تعالی معنوی انسان قرار دارد. شمس مفرحه، شرفی جم، ایروانی



ویاری قلی (۱۳۹۷) در بررسی عدالت تربیتی، بیان می‌دارند که از دیدگاه شهید مطهری مبانی عدالت تربیتی شامل فطرت الهی انسان، توازن هستی، عدالت فردی و اجتماعی، و سعادت است و اصول عدالت تربیتی شامل آموزش همگانی، توجه به فردیت، پرورش فطریات، کرامت و سعادت است. نظریه‌پرداز و سپاهی (۱۳۹۸) نیز درباره‌ی خدامحوری و التزام به متن مقدس بیان می‌دارند که از دیدگاه شهید مطهری معنویت عنصری اساسی در دین است که باید خدامحور و مبتنی بر اعتقادات دینی باشد و این اعتقادات پایه و اساس معنویت حقیقی را تشکیل می‌دهند. نجاری (۱۳۹۰) در نقد و بررسی روش نظریه‌پردازی شهید مطهری در بحث رشد، بیان می‌دارد شهید مطهری الگویی مشخص برای رشد ارائه نداده است.

بر این اساس، تاکنون الگوی نظری جامع و منسجمی برای بررسی دیدگاه‌های ایشان و استخراج سیستماتیک الگوی رشد معنوی انجام نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و تبیین الگوی نظری رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری از طریق تحلیل محتوای آثار مکتوب ایشان است. مبتنی بر این هدف، سؤال پژوهش عبارت است از اینکه الگوی نظری رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری چیست؟ ذیل این سؤال اصلی نیز این سؤالات مطرح است که از دیدگاه شهید مطهری، رشد، معنویت و رشد معنوی چگونه توصیف می‌شود؟ موضع تحقق رشد معنوی در انسان چیست؟ مسیر رشد انسان چیست؟ و عوامل و موانع رشد معنوی کدام‌اند؟

روش پژوهش

تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربردی فراوان دارد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۸)، و در آن به‌گونه‌ای عینی (فارغ از برداشت شخصی محقق) و بر اساس قواعد معین، به کشف مشخصاتی ویژه از یک پیام پرداخته می‌شود (استون، ۱۹۶۶، به نقل از: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). نوع تحلیل محتوای کیفی به‌کاررفته در پژوهش حاضر، روش تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی^۲ است که در آن تحلیل داده با جست‌وجوی کلمات کلیدی مشخص (که بر اساس علاقه محقق یا ادبیات تحقیق مشخص شده‌اند) به‌وسیله‌ی روش دستی یا کامپیوتری (در این پژوهش نرم‌افزار مکس کیودای ۲۰۲۰) آغاز می‌شود و در فرایند آن محقق می‌خواهد بداند که واژه مورد نظر چگونه در متن استفاده شده است تا بر اساس آن کاربرد کلمه و یا معانی که یک کلمه می‌تواند داشته باشد را کشف کند (ر.ک: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۲۸).

واحد تحلیل (موضوع مورد مطالعه) در پژوهش حاضر، تمامی متون موجود در مجموعه آثار شهید مطهری است و واحد معنا، تمامی جملاتی در این متون است که به طور مستقیم و غیر مستقیم به مفاهیم «رشد»، «معنویت» و «رشد معنوی» اشاره دارد. تحلیل محتوای کیفی در پژوهش حاضر، تحلیل محتوای آشکار (بررسی مطالب صریح و مستقیم شهید مطهری در مورد رشد، معنویت و رشد معنوی) و پنهان (فرض‌ها و پیش‌فرض‌های نهفته در پس‌نظرات شهید مطهری در مورد رشد معنوی) است. جهت طرح‌ریزی فرایند کدگذاری، نیاز به ساده‌سازی (کاهش اندازه بدون اشاره به کیفیت موضوع)، تلخیص (مختصر کردن کیفیت متن ساده‌شده) و انتزاع (مختصر کردن نهایی با حفظ هسته معنایی) داریم که در نهایت به کدها می‌رسیم. در ادامه فرایند انتزاع، متن فشرده‌شده با متن‌های فشرده‌شده هم‌معنای دیگر جمع شده و در درون دسته بزرگ‌تری (مقوله‌ها؛ پاسخ به چه چیز است) قرار می‌گیرند، و در نهایت تم (پاسخ به چگونه است) شکل می‌گیرد. ایجاد تم شیوه‌ای است که مضامین و معانی اساسی را در مقوله‌ها به هم مرتبط می‌سازد. تم می‌تواند مبین محتوای پنهان متن باشد (ر.ک: ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۲-۸۵۳۱).



یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در رشد

بررسی «رشد» در مجموعه آثار شهید مطهری با توجه به ۱۲۶۶ عبارتی که «رشد» در آثار ایشان مورد اشاره قرار گرفته بود، انجام شد، و در نهایت کدگذاری‌های روی موارد مربوط نشان داد که آنچه در آثار شهید مطهری درباره رشد بیان شده را می‌توان در جهت تبیین شاخصه‌های رشد، ابعاد رشد، ارکان رشد، هدف رشد، اصول رشد و عوامل اثرگذار بر رشد فرد مورد توجه قرار داد.

شهید مطهری به مفهوم رشد انسانی به عنوان یک فرآیند تکاملی و تدریجی توجه ویژه‌ای دارد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۶ و ج ۴، ص ۶۶۷). وی شاخصه‌های رشد را شامل آشکارسازی، تکامل‌بخشی و تدریجی بودن می‌داند (همان، ص ۲۰۶ و ج ۴، ص ۶۶۷). رشد و حرکت به سمت کمال دو بعد دارد: بعد جسمی و بعد روحی، و این رشد چه در بعد جسمی و چه در بعد روحی، به صورت تدریجی صورت می‌گیرد و انسان را در مسیر کامل شدن قرار می‌دهد. انسان کامل از دیدگاه شهید مطهری کسی است که تمامی استعدادهای خود را در مسیر خداوند و به شکلی متعادل و هماهنگ رشد دهد، همان‌طور که کودکی باید تمام اعضای بدنش به‌طور هماهنگ رشد

کنند تا سالم باشد (ر.ک: همان، ج ۲۷، ص ۱۱۲ - ۱۱۳). در این میان، شهید مطهری بر اهمیت تعادل در تمامی جنبه‌های زندگی تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که حتی افراط در عبادت، افراط در خدمت به خلق و افراط در آزادی می‌تواند نمونه‌هایی از ناهماهنگی در رشد استعدادها باشد (ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۱۱۴ - ۱۱۹). از این منظر، رشد انسان مستلزم توازن و هماهنگی در بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها و قوای انسانی است. طبیعت انسان همچون گیاهان در حال تحول و رشد به سوی کمال است و این فرآیند مبتنی بر مجموعه‌ای از قوا در گیاه، حیوان و انسان است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۷۱ و ج ۲، ص ۲۸۷).

بر اساس آنچه بیان شد، «رشد انسانی از دیدگاه شهید مطهری یک فرآیند تدریجی، تحولی و هدفمند است که در آن تمامی جنبه‌های فردی و اجتماعی باید به شکلی متعادل و هماهنگ آشکار شده و تکامل یابند».

شهید مطهری در تحلیل خود از رشد انسانی، دو رکن اساسی را برای تحقق رشد مطرح می‌کند: رکن ادراکی (شناختی) و رکن قدرتی (لیاقتی) (همان، ج ۴، ص ۴۶۸ - ۴۶۹ و ۴۷۸)؛ این دو رکن به‌طور هم‌زمان در فرآیند رشد نقش ایفا می‌کنند و بدون یکی از آنها، دستیابی به رشد کامل ممکن نخواهد بود.

رکن ادراکی شامل چهار بخش اصلی است: خودشناسی، اندازه‌شناسی (همان، ص ۴۶۸ - ۴۶۹ و ۴۷۸)، هدف‌شناسی (همان، ج ۳، ص ۳۱۳) و روش‌شناسی (همان، ج ۱۷، ص ۶۱۹). خودشناسی به معنای شناخت نیازها، دردها و سرمایه‌های مادی، معنوی، فرهنگی و تاریخی است. اندازه‌شناسی به معنای شناخت سود و زیان واقعی و درک حد و درجه سرمایه‌ها و سود و زیان‌هاست تا به هر چیز در حد خود ارزش داده شود و از فدا کردن سود بزرگ به خاطر سود کوچک یا تحمل ضرر بزرگ به خاطر دفع ضرر کوچک جلوگیری شود (همان، ج ۴، ص ۴۶۸ - ۴۶۹ و ۴۷۸). هدف‌شناسی به معنای شناخت درست معنای زندگی و هدف اقدامات لازم برای بهره‌گیری از سرمایه‌هاست (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۳۱۳)، و روش‌شناسی به معنای شناخت شیوه‌های استفاده و بهره‌برداری از این سرمایه‌هاست (همان، ج ۱۷، ص ۶۱۹).

رکن قدرتی به معنای توانایی و شایستگی برای اداره، نگهداری و بهره‌برداری از سرمایه‌ها و امکانات مادی و معنوی است، که شامل قدرت اراده برای مدیریت سرمایه‌ها و همچنین جلب سود

و دفع زیان نیز می‌شود. در واقع فرد باید به حدی از رشد برسد که لایق نگهداری و بهره‌برداری صحیح از امکانات خود باشد (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۳۱۲ - ۳۱۵؛ ج ۳۰، ص ۳۱؛ ج ۴، ص ۱۴۰، ص ۴۶۸ - ۴۶۹ و ۴۷۸).

همچنین شهید مطهری هدف نهایی از رشد را دستیابی به کمالات روحی و معنوی معرفی می‌کند (ر.ک: همان، ج ۲۹، ص ۳۲۶)، که این کمالات از طریق خودشناسی و بهره‌برداری صحیح از امکانات و سرمایه‌ها به دست می‌آید. انسان‌ها موظف به رشد و تحول در مسیر دستیابی به این کمالات هستند، تا به شایستگی نگهداری و بهره‌برداری از امکانات موجود دست یابند و بتوانند به‌طور متعادل و هماهنگ در مسیر خداوند حرکت کنند.

رشد از دیدگاه شهید مطهری بر اصولی چندگانه مبتنی است که عبارت‌اند از: اصل حرکت، اصل تحول، اصل تدریج و اصل مرحله‌ای بودن است (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۷۷۰). «اصل حرکت» بر این تأکید دارد که تمامی موجودات در جهان به‌صورت مستمر در حال تغییر و تحول هستند و هیچ چیزی در حالت اولیه خود باقی نمی‌ماند. «اصل تحول» نیز بیانگر این است که انسان همواره از نقص به سوی کمال در حرکت است و این حرکت تدریجی او را از حالت بالقوه به حالت بالفعل می‌رساند (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۷۷۰).

در این مسیر، رشد و شکل‌گیری شخصیت انسان حرکتی مداوم، پیوسته و منظم است (همان، ج ۱۳، ص ۸۶۳)، و شخصیت انسان با تولد او شروع به ساخته شدن می‌کند (همان، ج ۲۸، ص ۷۶۰)، و هم طبیعت انسان (وجود عینی و غیر دستگام شعورکننده) همچون گیاهان در حال تحول و رشد به سمت کمال خود هستند (ر.ک: همان، ج ۸، ص ۴۲۷)، هم حیوانیت او و هم در نهایت انسانیت اوست که در مسیر رشد قرار می‌گیرد (همان، ج ۲۲، ص ۳۹۰). با توجه به «اصل تدریج»، انسان در مسیر رشد به تدریج و به‌مرور زمان از پله‌های مختلف هستی بالا می‌رود و به تجهیزاتی چون حس، خیال، وهم و عقل مجهز می‌شود (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۱۷۴). این تدریجی بودن رشد به معنای آن است که کودک نمی‌تواند از ابتدا عاشق علم، هنر یا تقوا شود؛ بلکه این علاقه‌ها و ارزش‌ها در طول زمان و از طریق تعامل با دیگران و کسب تجربه‌ها به وجود می‌آیند.

شهید مطهری همچنین بر «اصل مرحله‌ای بودن» رشد تأکید دارد که در آن مراحل رشد به‌صورت پیوسته و منطقی طی می‌شوند. در مرحله اول که مرحله حیوانیت نام دارد، پدران و مادران با تشویق‌ها و پاداش‌های مادی کودک را به‌سوی یادگیری و انضباط اولیه سوق



می‌دهند. این مرحله شامل انگیزه‌های ابتدایی و مادی است؛ اما در مرحله بعدی که مرحله انسانیت است، ارزش‌های معنوی همچون راستگویی، ادب، اخلاق نیکو و انجام عبادات مورد توجه قرار می‌گیرند. این انتقال از مرحله حیوانیت به انسانیت باعث می‌شود که کودک به تدریج ارزش واقعی انسان بودن و آدمیت را درک کند (ر.ک: همان، ج ۲۲، ص ۳۹۰). در هر مرحله از زندگی، فرد چیزهایی را درک و احساس می‌کند که در مرحله قبل ممکن نبود. این مراحل به فرد کمک می‌کند تا به سطحی از فکر و عقل‌ورزی برسد که بتواند مصالح خود را در آن مرحله درک کند (ر.ک: همان، ج ۱۷، ص ۶۱۵). در نهایت، رشد هر انسان به واسطه ظرفیت‌های روان‌شناختی خود او مسیری منحصر به فرد و اختیاری دارد؛ اما کلیت هدف و مسیر رشد در امور اختیاری یکی است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۷۲).

ابعاد رشد انسان از دیدگاه شهید مطهری شامل رشد جسمی و ظاهری، و همچنین رشد جوهری و روحی است. رشد جسمی انسان مشابه رشد گیاهان، در یک دوره محدود به وقوع می‌پیوندد و بعد از آن به یک دوره توقف و سپس به افول می‌رسد (همان، ج ۷، ص ۴۵۶). در مقابل، رشد روحی و جوهری انسان دائمی و همیشگی است، به طوری که انسان همیشه در مسیر تکامل و کمال قرار دارد (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۶۶۷ - ۶۶۸). در این مسیر استعدادهاى نهفته در روح از حالت بالقوه به بالفعل «تبدیل» می‌شوند (همان، ج ۳، ص ۵۸۸). این تبدیل و کمال روحی به معنای دستیابی به بالاترین سطح از شکوفایی انسانی است که تنها با یاد خدا و خدایی شدن ممکن می‌شود (همان، ج ۲۹، ص ۳۳۷ - ۳۴۰). لازم به ذکر است در طول مسیر رشد جسمی، بدن انسان فرق ماهیتی از جهت زیستی نخواهد داشت و بدن او تبدیل به بدن دیگر نخواهد شد (همان، ج ۳، ص ۵۸۸).

در مسیر رشد روحی انسان، نقش اراده و اختیار فرد بسیار حیاتی است (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۷۱؛ و ج ۲، ص ۲۸۷)؛ چراکه مسیر رشد روانی، اجتماعی و معنوی انسان اختیاری است و اسلام نیز بر این اساس وظایف و تکالیفی را برای انسان تعیین کرده است (همان، ج ۴، ص ۴۶۹). به بیان دیگر، در بیان شهید مطهری بحث رشد و اراده در مقیاس موجودات جهان به این صورت است که برخی موجودات یعنی «جمادات» رشد و درک ندارند؛^۱ گیاهان رشد دارند و درک ندارند؛ و حیوان هم رشد دارد و هم درک،

۱. گرچه از نگاه فلاسفه اسلامی حرکت (حال از نوع اولیه یا ثانویه) دارد؛ یعنی اصل حرکت بر اینها حاکم است.

ولی عقل ندارد و از این رو رشد عقلی ندارد؛ و انسان هم رشد دارد، هم درک و هم عقل (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۷۱)، و این رشد مبتنی بر یک سری قوا^۱ در گیاه،^۲ حیوان،^۳ و انسان روی می‌دهد. در انسان همه قوایی که در گیاه و حیوان هست وجود دارد به اضافه یک سلسله میل‌های اضافی و به‌ویژه به اضافه نیروی خارق‌العاده عقل و اراده و قدرت انتخاب، که سرنوشت آینده و رسیدن به کمالات روحی و معنوی او را به دست خودش می‌دهد (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۱۷۱؛ و ج ۲، ص ۲۸۷).

شهید مطهری از جمله عوامل اثرگذار بر رشد را والدین (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۴۷۰) و نیز در کنار والدین به عامل محیط اشاره می‌کند (ر.ک: همان، ج ۲۸، ص ۷۶۰).

یافته‌ها در معنویت

بررسی «معنویت» در مجموعه آثار شهید مطهری با توجه به ۳۱۷ عبارتی که «معنویت» در آثار ایشان مورد اشاره قرار گرفته بود، انجام شد، و در نهایت کدگذاری‌های روی موارد مربوط نشان داد که شهید مطهری در مبحث «معنویت» به تبیین حوزه‌های تحقق معنویت پرداخته و در این رابطه به سه حوزه اشاره می‌کند: حوزه تحقق معنویت در رابطه با خداوند، تحقق معنویت در رابطه با انسان و تحقق معنویت در رابطه با زندگی مادی.

شهید مطهری در تبیین رابطه معنویت با خداوند، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌شود بدون اعتقاد به خدا درباره معنویت سخن گفت؟ ایشان بیان می‌دارد که پاسخ طرفداران «معنویت و جدان مبنا» مثبت است؛ به این معنا که انسان لذت‌گراست و آنچه بر پایه وجدان لذت‌گرایی به زندگی انسان معنا می‌دهد دنبال کردن رفتارهای مادی و معنوی (همچون آگاهی) لذت‌آفرین و دوری‌گزینی از رفتارهای مادی و معنوی (همچون ناآگاهی) رنج‌آور است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۹، ص ۳۵۵). با این حال شهید مطهری تأکید می‌کند که در اسلام توجه به معنویت تنها از مسیر خداوند و یاد او ممکن است (همان، ص ۲۶۰)، و معنویت بدون ایمان به خدا و ایمان به مبدأ و معاد

۱. عاملی که اثری از او ناشی می‌شود به نام قوه یا نیرو نامیده می‌شود. هر موجودی از موجودات جهان منشأ یک یا چند خاصیت و اثر هست؛ لهذا در هر موجودی، اعم از جماد، نبات، حیوان و انسان، قوه و نیرو وجود دارد. قوه اگر با شعور و ادراک و خواست توأم باشد به نام «قدرت» و یا «توانایی» نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۸۱).
۲. رشد گیاه مبتنی بر سه دسته قوه غذایی (جذب غذا)، منمیه (رشد) و مولده (تولید مثل) است.
۳. حیوان افزون بر قوای موجود در گیاهان، دو قوه ۱. قوه مدرکه (ظاهری) همچون قوه بینایی و شنوایی) و باطنی (همچون قوه خیال، قوه واهمه و حس مشترک) و ۲. قوه محرکه (مشمول بر قوه شوقیه (قوه شهوانیه و قوه غضبیه) و قوه فاعلی) دارد.



امکان‌پذیر نیست! (همان، ج ۲۴، ص ۲۵۶) و البته پیروی از این نوع معنویت هم لذت‌های خاص خود^۱ را به دنبال دارد. شهید مطهری معتقد است اساساً زندگی و رشد معنوی انسان با زنده بودن و رشد در مسیر افزایش یاد خداوند ممکن است و به هر اندازه که انسان از یاد خداوند غافل نباشد زنده بودن معنوی را تجربه خواهد کرد (همان، ج ۲۷، ص ۶۷۰).

شهید مطهری دربارهٔ تحقق معنویت در رابطه با انسان، به بحث مهم روح اشاره می‌کند. شهید مطهری مبتنی بر متون دینی برای انسان یک هویت روحی و نفسانی غیر از هویت بدنی معتقد است؛ هویتی که آن نیز همچون جسم، پاکیزگی (تزکیهٔ نفس) و آلودگی دارد، رشد و تکامل و انحطاط و سقوط دارد. آنچه مایهٔ آسیب و سلامت روح است، جنس متفاوتی با آنچه دارد که مایهٔ آسیب و سلامت جسم است. بدن با گرد و غبار آلوده و با صابون پاک می‌شود و روح با گناهان آلوده و با تزکیهٔ نفس پاک می‌شود (ر.ک: همان، ج ۲۸، ص ۵۶۵). جسم ناقص رشد می‌کند و نهایت رشدش، رسیدن به اندامی قوی است و روح انسان نیز ناقص و قابل رشد کردن و تکامل یافتن است و نهایت رشد روح عقل روشن، ارادهٔ قوی و معنویت یافتن است (همان، ج ۲۷، ص ۲۸۴). در واقع، روح و نفس همچون کتابی است که به دست ما در مسیر رشد نوشته و پر می‌شود (همان، ج ۲۸، ص ۵۸۱).

حوزهٔ دیگر مورد بحث شهید مطهری در تحقق معنویت، معنویت در رابطه با زندگی مادی است. اساساً از آنجاکه انسان در مسیر زندگی به دنبال گسترش توانمندی‌ها برای رفع نیازهای خود است، شهید مطهری نیازهای انسانی و مسیر رشد را در دو قلمرو جای می‌دهد: نیازهای مادی همچون نیاز به تغذیه و سلامت جسمی و نیازهای معنوی همچون نیاز به ایمان، تفکر، جهان‌بینی و اخلاق. در این میان، ایشان بیان می‌کند برخی اندیشمندان نیازهای مادی را سرچشمهٔ نیازهای معنوی می‌دانند؛ یعنی انسان بر پایهٔ نیازها و غرایز مادی پا به این دنیا نهاده و نیازها و غرایز معنوی، ثانویه و در نهایت وسیله‌ای است برای رفع هرچه بهتر نیازهای مادی و تحقق سالم‌تر رشد مادی! در مقابل، شهید مطهری به برخی دیگر از اندیشمندان اشاره می‌کند که به نظریهٔ اصالت نیازهای معنوی معتقدند و نیازهای معنوی را اصیل‌تر و نیرومندتر می‌دانند. آنها

۱. یک سلسله لذت‌های معنوی وجود دارد که معنویت انسان را بالا می‌برد. برای کسی که اهل تهجد و نماز شب باشد، جزو صادقین و صابرین و مستغفرین بالاسحار باشد، نماز شب لذت و بهجت دارد. آن لذتی که یک نفر نماز شب‌خوان حقیقی و واقعی از نماز شب خودش می‌برد، از آن استغفارها می‌برد، از یاد کردن و دعا کردن‌های حداقل چهار مؤمن می‌برد، هیچ‌وقت یک آدم عیاش که در کاباره‌ها می‌گردد احساس نمی‌کند. لذت آن نماز شب‌خوان خیلی عمیق‌تر، نیرومندتر و نشاط‌بخش‌تر است (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۵، ص ۴۸۵). و البته اگر انسان بخواهد لذت‌های معنوی و الهی را در این دنیا درک کند، چاره‌ای ندارد جز اینکه از لذت‌های مادی و جسمانی کسر کند (همان، ج ۲۵، ص ۴۸۵).

قبول دارند که نیازهای مادی از نظر بروز و رشد زمانی مقدم هستند (کودکی که از آغاز تولد در جست‌وجوی شیر مادر برای رفع نیاز گرسنگی است و تغذیه مسیر رشد و بقای او را فراهم می‌کند)، اما به تدریج نیازهای معنوی نهفته در سرشت انسان، می‌شکند و مسیر رشد خود را می‌پیماید تا جایی که انسان نیازهای مادی و لذت‌های برآمده از ارضای آنها را در مسیر رشد، فدای نیازها و لذات معنوی می‌کند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۳۸۹ - ۳۹۰). بر این اساس، می‌توان بیان داشت که انسان دارای دو «زندگی حیوانی» و «زندگی معنوی» و دو مسیر رشد است که در این دنیا جدا ناشدنی هستند (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۲۹۴)، و در این میان رشد «زندگی معنوی» بر پایه‌گزینش اهداف سالم برای دنیا و آخرت و انجام رفتارهای متناسب با آن اهداف شکل می‌گیرد، و اساس رشد سالم و شادکامی نهایی و شکست نهایی انسان در فراهم کردن مسیر رشد و ساختن یا عدم تأمین لوازم رشد و آسیب زدن به زندگی توأمان مادی و معنوی است، به‌گونه‌ای که اولویت (البته به‌گونه‌ای منطقی و غیرافراطی و بیمارگون) با زندگی و رشد معنوی است (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۲۹۴). در تأکید بر اهمیت حفظ رابطه منطقی زندگی مادی و معنوی، شهید مطهری به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌فرماید که «آن‌که زندگی مادی ندارد، معاد که محصول زندگی معنوی است را نیز ندارد»^۱، و این یعنی از یک جنبه تقدم زندگی مادی بر زندگی معنوی (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۴۴۸). با این حال، اصالت را با زندگی معنوی می‌داند و بر همین اساس، هدف اصلی اسلام را تحقق رشد «معنویت» (به‌عنوان پایه تکامل و رشد روح) و شکل‌دهی انسان‌های معنوی می‌داند (ر.ک: همان، ج ۹، ص ۳۳۳ و ج ۲۴، ص ۲۵۸). در این میان جهان را به‌عنوان بستر زندگی مادی، زندان نمی‌داند؛ بلکه بر اساس معارف اسلامی جهان را مدرسه برای تکلیف‌آموزی، مسئولیت‌پذیر شدن، رشد عقلی، زمین زراعی برای کشاورزی، انباشت توشه آخرتی^۲ و محل تجارت برای کسب سود^۳ معرفی می‌کند! (ر.ک: همان، ج ۲۷، ص ۲۸۴). بر این اساس، دو مسیر رشد مادی و رشد معنوی با هم ارتباط دارند و رشد مادی در دنیا از جهت زمانی مقدم و از جهت بسترسازی مقدمه‌ای است برای رشد معنوی، اما نیازها و رشد معنوی اصیل‌تر و متعالی‌تر هستند.

یافته‌ها در رشد معنوی

در بررسی دیدگاه شهید مطهری در مبحث «رشد معنوی» مبتنی بر مواردی که بیان شد و بررسی مجموعه آثار، به تبیین نظر شهید مطهری در مورد رشد معنوی پرداخته شد و بر پایه آن، ضمن

۱. «من لا معاش له لا معاد له»

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «الدُّنْيَا مَرْزَعَةُ الْآخِرَةِ» (کنوز الحقائق، باب دال)

۳. امام علی علیه السلام: «إِنَّ الدُّنْيَا... مَهْبِطٌ وَخِي اللهُ وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱)

مشخص شدن ۱۳۹ کد باز، ۲۲ کد محوری و پنج کد انتخابی، در نهایت تعریف رشد معنوی، موضوع تحقق رشد معنوی، مسیر رشد انسان، عوامل رشد معنوی و موانع رشد معنوی مورد بررسی قرار گرفت که در شکل ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱: کدگذاری الگوی رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری

ردیف	آدرس	کدها	زیر مقولات	مقولات	نیم
۱	مطهری، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۱۲-۳۱۵؛ ج ۴، ص ۴۶۸-۴۶۹ و ۴۷۸؛ ج ۱۳، ص ۷۸۵؛ ج ۱۵، ص ۸۶۵؛ ج ۱۷، ص ۶۱۹؛ ج ۲۳، ص ۶۰۵	کد ۱- ۱۲	نمایان‌سازی، جنبه شناختی، جنبه شایستگی، حق‌پذیرسازی، عدالت‌پیروی، جهادانگیزی، هجرت‌انگیزی	تعریف	الگوی رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری
۲	ج ۲، ص ۶۱ و ۳۱۳؛ ج ۱۵، ص ۹۸۰؛ ج ۲۲، ص ۵۸۲-۵۸۴	کد ۱۳- ۲۶	رابطه مندی با ماورا، محوریت روح، خدا‌سوی فطرت، رابطه مندی فطرت و روح	موضوع تحقق رشد معنوی	
۳	ر.ک: ج ۲، ص ۲۷-۲۷، ص ۵۴-۵۵، ۵۸، ۲۷۶-۲۷۹ و ۲۸۳-۲۸۶؛ ج ۶، ص ۷۳ و ۸۳؛ ج ۱۵، ص ۹۸۰؛ ج ۲۳، ص ۱۴۹-۱۵۰ و ۴۲۰؛ ر.ک: ج ۲۸، ص ۵۷۶	کد ۲۷- ۱۰۳	مراحل چهارگانه رشد معنوی، ابعاد چهارگانه تحقق رشد معنوی، مؤلفه‌های چهارگانه رشد معنوی، نیروی محرک رشد انسانی	مسیر رشد معنوی انسان	
۴	ر.ک: ج ۱، ص ۲۰۶؛ ج ۲، ص ۵۹-۶۰، ۵۸، ۱۰۹ و ۱۷۰؛ ج ۴، ص ۲۷۴ و ۴۷۳؛ ج ۲۲، ص ۲۰۷ و ۶۳۰؛ ج ۲۳، ص ۲۱۵ و ۶۷۹؛ ر.ک: ج ۲۷، ص ۴۸۶-۴۸۸؛ ج ۲۸، ص ۵۸۰	کد ۱۰۴- ۱۲۸	عوامل زمینه‌ساز (نعمت‌های الهی، دین و وحی، ایمان، تفکر) و عوامل آشکارساز (شناخت‌های صحیح، نیت صالح، اعمال صالح، زهدورزی، آزمون‌های معنوی، خودسازی، انس‌گیری با قرآن)	عوامل رشد معنوی	
۵	ر.ک: ج ۲، ص ۱۷۰؛ ج ۴، ص ۵۰۸؛ ج ۱۰، ص ۱۶؛ ج ۲۲، ص ۵۸۲-۵۸۴ و ۶۳۰؛ ج ۲۶، ص ۵۸۴؛ ر.ک: ج ۲۸، ص ۵۸۰	از ۱۲۹- ۱۳۰	روح‌گریزی، فطرت‌گریزی، عقل‌گریزی، مذهب‌گریزی، ایمان‌گریزی	موانع رشد معنوی	

لازم به ذکر است در هیچ‌یک از آثار شهید مطهری به‌طور مستقیم به ارائه تعریفی جامع از «رشد معنوی» پرداخته نشده است. در بررسی‌های به‌عمل‌آمده در آثار مختلف شهید مطهری که می‌توانست به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مبحث رشد معنوی اشاره کند، در مجموع از ۱۲ کد از ۷ آدرس مختلف تعریف رشد معنوی، از ۱۳ کد از ۵ آدرس مختلف موضوع تحقق رشد معنوی، از ۷۶ کد از ۱۱ آدرس مختلف تبیین مسیر رشد انسان، از ۲۴ کد از ۱۲ آدرس مختلف عوامل رشد معنوی و از ۱۴ کد از ۷ آدرس مختلف موانع رشد معنوی استخراج شد.

بحث و نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه در بخش یافته‌ها به منظور استخراج الگوی نظری از دیدگاه شهید مطهری، تعریف رشد معنوی، موضوع تحقق رشد معنوی، مسیر رشد انسان، عوامل رشد معنوی و موانع رشد معنوی از مجموع آثار ایشان استخراج شد، بر این اساس، همچنان‌که در جدول یک بیان شد، تعریف رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری؛ یعنی نمایان ساختن استعدادهاى مهم‌ترین سرمایه‌های حیات انسانی؛ یعنی بعد روحی و معنوی انسان (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۷۸۵) که در سایه شناخت و لیاقت محقق می‌شود (همان، ج ۴، ص ۴۶۸ - ۴۶۹ و ۴۷۸؛ ج ۳، ص ۳۱۲ - ۳۱۵؛ ج ۱۷، ص ۶۱۹)، و تا آنجا پیش می‌رود که فرد حق‌پذیر و عدالت‌محور شود؛ یعنی از جهت باورها و احساسات به‌گونه‌ای رشد می‌کند که نسبت به بیان و رفتار عادلانه حتی اگر بر ضرر او باشد، احساس منفی در روان خود تجربه نکند^۱ (ر.ک: همان، ج ۱۵، ص ۸۶۵)، و خود را ملزم به دو گام رشد معنوی یعنی هجرت (جدا شدن از آنچه به انسان چسبیده یا انسان خود را به آن چسبانده) و جهاد (درگیر شدن با نفس درون) می‌کند (همان، ج ۲۳، ص ۶۰۵). هجرت یک عامل تربیتی است و صرفاً به معنای جدا شدن از وطن نیست؛ بلکه به معنای جدا شدن از پلیدی‌های نفس نیز است و جهاد نیز در تعبیر معنوی خود به جهاد با نفس گفته می‌شود (ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۶۱۳).

بنا بر بررسی‌ها درباره موضوع تحقق رشد معنوی از دیدگاه شهید، ایشان من واقعی را که محل

۱. شهید مطهری ضمن استناد به آیه ۶۵ سوره نساء «فَلَا وَرَيْكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُخَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»، بیان می‌کند ایمان، ایمان نیست مگر آنکه فرد نسبت به حکمی که به زیان او داده شده، یک ذره احساس ناراحتی نکند! یعنی ایمان آن وقت ایمان است و رشد معنوی در واقع صورت گرفته که انسان حق و عدالت را به خاطر خود حق و خود عدالت بخواهد، نه به خاطر خودش! که اگر ترازوی عدالت به ضرر او بچرخد ناراحت شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۵، ص ۸۶۵).

تحقق رشد معنوی در انسان است، «روح» می‌داند. ایشان معتقدند که از نظر اسلامی، من واقعی انسان همان نفخه الهی است، همان روح الهی است که دروازه‌ای است برای معنویت (از همین روح می‌شود فهمید که انسان یک حقیقت معنوی و جاودانه است) و از عالم بالاتر از عالم طبیعت و ماده است. روح در هر انسانی هست و احساس اخلاقی انسان از این «من» سرچشمه می‌گیرد و سر منشأ گرایش‌های معنوی (برای مثال گرایش به فداکاری، عدالت، انصاف، حلم، بردباری) در انسان و پیونددهنده انسان به ماورای طبیعت مادی است (ر.ک: همان، ج ۲۲، ص ۵۸۲ - ۵۸۴). البته برخی به عللی نمی‌خواهند وجود روح ملکوتی را در انسان بپذیرند (ر.ک: همان، ج ۲۲، ص ۵۸۲ - ۵۸۴)؛ از جمله اینکه نظر به مبنای مادی‌گرایی و جزئی‌نگری روان‌شناسی در مورد انسان، روح که اساسی‌ترین بخش حیات انسان است در مباحث روان‌شناسی نادیده گرفته می‌شود (فرقانی، نوری و شیخ شعاعی، ۱۳۹۱، ص ۲۹)؛ چراکه برخی روان‌شناسان روح را فراروان‌شناسی و خارج از دایره پژوهشی خود قلمداد می‌کنند (فرقانی، نوری و شیخ شعاعی، ۱۳۹۱، ص ۹۸)؛ گرچه برخی دیگر همچون ویلیام جیمز^۱ (۲۰۱۱/۱۸۹۰، ص ۷) حقیقت روان‌شناسی را مطالعه «روح» می‌داند و نسبت به فاصله گرفتن روان‌شناسی از بحث «روح» هشدار می‌دهد، و توماس مور^۲ نیز بزرگ‌ترین بیماری قرن بیستم را از دست دادن «روح» معرفی می‌کند (مور، ۱۹۹۲، ص xi).

اما روح الهی در انسان چگونه است؟ در پاسخ به این سؤال شهید مطهری به نظریه فطرت قائل است و معتقد است فطرت در وجود انسان، روانی و روحی است و مادی نیست (همان، ج ۱۵، ص ۹۸۰)؛ فطرت نوعی شعور و وجدان نوعی است که به انسانیت انسان تعیین نوعی بخشیده و در او صلاحیت مورد دعوت و مخاطب واقع شدن از ناحیه خداوند و توانایی حرکت و جنبش به سمت خداوند را افاضه می‌کند (همان، ج ۲، ص ۶۱)؛ فطرت یعنی بذر انسانیت در انسان که به صورت امور بالقوه در وجود انسان موجود است و اگر به آفت و مانعی برخورد نکند، آن بذر تدریجاً از زمینه وجود انسان سر برمی‌آورد و بعدها «وجدان» فطری و انسانی او را می‌سازند (همان، ج ۲، ص ۳۱۳). بر این اساس، یعنی مسیر رشد و تکامل انسان صرفاً در مسیر مادی و جسمانی نیست؛ بلکه فراتر از آن در بعد معنوی نیز انسان به رشد و تکامل می‌رسد (همان، ج ۱۵، ص ۹۸۰)، و روح الهی همان فطرت خداخواه، همان الگوی سعادت انسان و مسیر متافیزیکی و خطاناپذیر تکامل است که

1. James, W.

2. Moore, T.

سعادت و خوشبختی انسان را دربر دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۱)، و انسان معنوی، خداخواهی فطری خویش را در پرتو مکتب الهی و تعالیم قرآنی از بالقوه به فعلیت می‌رساند و در می‌یابد از کجا آمده و به کجا می‌رود و رابطه او با خود و جهان اطراف را درک می‌کند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵ - ۱۱۴). در واقع، حقیقت انسان بعد معنوی اوست و معنویت و انسانیت دو امر تفکیک‌ناپذیرند و نمی‌توان به یکی چسبید و دیگری را رها کرد و نمی‌شود برای انسانیت قداستی منهای معنویت در نظر گرفت (ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۶۷۹).

مسیر رشد انسان

بنا بر بررسی‌ها درباره مسیر رشد انسان از دیدگاه شهید، ایشان سیر کلی رشد را از خود درآمدن می‌دانند و معتقدند درون انسان در حکم دروازه‌ای است به روی همه هستی و همه جهان؛ چون از اینجا این در به روی حق باز می‌شود و حق را که انسان ببیند همه چیز را می‌بیند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۳، ص ۴۲۰).

شهید مطهری (همان، ج ۲۳، ص ۱۴۹ - ۱۵۰) با اشاره به نگاه عرفانی نتیجه این رشد معنوی در انسان را چهار سفر معرفی می‌کند: ۱. سفر انسان از خود به خدا؛ ۲. سفر انسان همراه خدا در خدا (یعنی شناخت خدا)؛ ۳. سفر انسان همراه خدا - نه به تنهایی - به خلق خدا؛ ۴. سفر انسان همراه خدا در میان خلق خدا برای نجات خلق خدا.

اولین سفر، سفر انسان به سوی خداست. تا انسان از خدا جداست، درگیر پوچی است. وقتی به ذکر خدا رسید و خدا را شناخت و خودش را به خدا نزدیک احساس کرد و خدا را با خود احساس کرد، همراه خدا به سوی خلق خدا باز می‌گردد. چنین انسانی برای نجات خلق خدا در میان خلق خدا حرکت می‌کند و برای حرکت دادن خلق خدا و نزدیک ساختن آنان به خدا تلاش می‌کند. اگر گفته شود سفر انسان از خلق است به سوی خدا و همان جا می‌ماند، انسان را نشناخته‌ایم، و اگر بگوییم انسان بدون اینکه خودش به سوی خدا حرکت کند، باید به سوی انسان‌ها برود (مثل مکتب‌های مادی انسانی امروز) برای نجات انسان‌ها، هیچ کاری از او ساخته نیست و دروغ مطلق است. کسانی توانسته‌اند انسان‌ها را نجات دهند که اول خودشان نجات پیدا کرده‌اند. نجات انسان‌ها به معنای نجات آنها از خودی خود و از نفس آماره خود و از خود محدودش است، و تا انسان از خود محدود خویش نجات پیدا نکند، هرگز از اسارت طبیعت و اسارت انسان‌های دیگر



نجات پیدا نمی‌کند!

همچنین شهید مطهری (همان، ج ۲، ص ۲۷۶ - ۲۷۹) علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، و تقدیس و پرستش را به‌عنوان ابعاد وجود معنوی انسان معرفی می‌کند.

۱. **علم و دانایی:** انسان دانش و آگاهی را تنها از آن جهت که او را بر طبیعت مسلط می‌کند و به سود زندگی مادی اوست، نمی‌خواهد. در انسان غریزه حقیقت‌جویی و تحقیق وجود دارد، نفس دانایی و آگاهی برای انسان مطلوب و لذت‌بخش است. علم گذشته از اینکه وسیله‌ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، فی‌حدنفسه نیز مطلوب بشر است. انسان اگر بداند رازی در ورای کهکشان‌ها وجود دارد و دانستن و ندانستن آن تأثیری در زندگی او ندارد، باز هم ترجیح می‌دهد که آن را بداند. انسان طبعاً از جهل فرار می‌کند و به سوی علم می‌شتابد؛^۱ بنابراین علم و آگاهی یکی از ابعاد معنوی وجود انسان است.

۲. **خیر اخلاقی:** انجام برخی کارها نه به منظور سود آنها و یا دفع زیان آنهاست؛ بلکه به حکم عواطف اخلاقی یا همان وجدان انسانی است؛ چون انسانیت چنین حکم می‌کند! فرض کنید انسانی در شرایطی سخت، در بیابانی وحشتناک بی‌آذوقه و وسیله گیر افتاده است، که انسانی دیگر پیدا شده و به او کمک می‌کند و او را از چنگال مرگ قطعی نجات می‌بخشد؛ بعد این دو انسان از یکدیگر جدا می‌شوند و یکدیگر را نمی‌بینند. سال‌ها بعد آن فردی که روزی گرفتار شده بود، نجات‌دهنده قدیمی خود را در حال نداری می‌بیند، خوبی آن شخص به یادش می‌افتد؛ حکم وجدان اخلاقی در این فرد چیست؟ آیا به او نمی‌گوید که پاداش نیکی، نیکی است؟ پاسخ مثبت است. وجدان انسان‌ها حکم می‌کند که «پاداش‌دهنده نیکی را به نیکی، باید آفرین گفت و بی‌اعتنا را باید مورد ملامت و شماتت قرار داد». بسیاری از کارها را انسان به جهت «ارزش اخلاقی» انجام می‌دهد، نه به جهت امور مادی. این نیز از مختصات انسان است و مربوط است به جنبه معنوی انسان و یک بعد از ابعاد معنویت اوست. سایر جانداران هرگز چنین معیاری ندارند؛ برای حیوان «ارزش اخلاقی» بی‌معنی است.

۱. علم از لحاظ حیات معنوی انسان، نور است و جهل ظلمت. انسان در پرتو نور همه جا را می‌بیند، اشیا را تشخیص می‌دهد، راه را از چاه تمیز می‌دهد، اما در تاریکی همه چیز از نظر پنهان می‌شود، میدان برای وهم و خیال باز می‌گردد، خیالات در نظر به‌صورت اشباح مجسم می‌گردد. در ظلمت نادانی نیز حقایق امور و واقعیات مخفی می‌شود، نوبت افسانه می‌رسد، خیالات واهی به‌صورت عقاید خرافی و موهومات در جامعه منتشر می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۰۷)

۳. **جمال و زیبایی:** یک بعد دیگر از ابعاد معنوی انسان علاقه به جمال و زیبایی است. قسمت مهمی از زندگی انسان را جمال و زیبایی تشکیل می‌دهد. انسان جمال و زیبایی را در همه شئون زندگی دخالت می‌دهد؛ جامه می‌پوشد برای سرما و گرما، به همان اندازه هم به زیبایی رنگ و دوخت اهمیت می‌دهد، خانه می‌سازد برای سکونت، و بیش از هر چیز به زیبایی خانه توجه دارد، حتی سفره‌ای که برای غذا خوردن پهن می‌کند و ظرفی که در آن غذا می‌ریزد و حتی ترتیب چیدن غذا در ظرف‌ها و بر سفره همه روی اصول زیبایی است. انسان دوست دارد قیافه‌اش زیبا باشد، نامش زیبا باشد، جامه‌اش زیبا باشد، خطش زیبا باشد، خیابانش و شهرش زیبا باشد، مناظر جلو چشمش زیبا باشد و خلاصه می‌خواهد هاله‌ای از زیبایی تمام زندگی‌اش را فراگیرد. برای حیوان مسئله زیبایی مطرح نیست. برای حیوان آنچه مطرح است، محتوای آخور است، اما اینکه آخور زیبا باشد یا نازیبا دیگر مطرح نیست. برای حیوان پالان زیبا، منظره زیبا، مسکن زیبا و... مطرح نیست.

۴. **تقدیس و پرستش:** یکی از پایدارترین و قدیمی‌ترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیل‌ترین ابعاد وجود آدمی، حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد هر زمان و هر جا که بشر وجود داشته است، نیایش و پرستش هم وجود داشته است. چیزی که هست شکل کار و شخص معبود متفاوت شده است. از نظر شکل از رقص‌ها و حرکات دسته‌جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوارد گرفته تا عالی‌ترین خضوع‌ها و خشوع‌ها، و از نظر معبود از سنگ و چوب گرفته تا ذات قیوم ازلی ابدی منزّه از زمان و مکان. پیامبران پرستش را نیاوردند و ابتکار نکردند؛ بلکه نوع پرستش را - یعنی نوع آداب و اعمالی که باید پرستش به آن شکل صورت گیرد - به بشر آموختند و دیگر اینکه از پرستش غیر ذات یگانه (شرک) جلوگیری به عمل آوردند.

همچنین می‌توان نظر به آثار شهید مطهری (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۲۸۳ - ۲۸۶) در تبیین مؤلفه‌های روان‌شناختی رشد معنوی به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. **خودشناسی:** اسلام روی «شناخت خود» تأکید دارد. منظور از شناخت خود فهمیدن اطلاعات شناسنامه‌ای (نام و نام خانوادگی، نام پدر، محل تولد و...) نیست! منظور کشف مقام واقعی خویش در عالم وجود است. خود همان چیزی است که «روح الهی» نامیده می‌شود و با شناختن آن «خود» است که انسان احساس شرافت و کرامت و تعالی می‌کند و خویشتن را از تن دادن به پستی‌ها برتر می‌شمارد، و متوجه می‌شود که از جهت «معرفت» می‌تواند بر فرشتگان پیشی



بگیرد، به قداست خویش پی می‌برد، و مقدسات اخلاقی و اجتماعی برایش معنی و ارزش پیدا می‌کند. شناخت خود است که سبب می‌شود فرد خود را آن‌چنان‌که هست بشناسد و هدف از این شناختن و درک کردن این است که خود را به مقام والایی که شایسته آن است برساند. در پرتو این خودشناسی است که انسان درمی‌یابد که آزاد و مختار است و مسئول خویشتن و مسئول افراد دیگر و مسئول آباد کردن جهان و بهتر کردن جهان است (هود: ۶۱)^۱، و دریابد که او امانت‌دار الهی است، و بر حسب تضاد برتری نیافته است تا که استبداد بورزد و همه چیز را برای شخص خود تصاحب کند و مسئولیت و تکلیفی برای خویشتن قائل نباشد.

۲. **مسئولیت‌پذیری:** بعد از شناخت خود، دومین گام، مسئولیت‌پذیری است. از آنجاکه فلسفه‌های مادی، قدرت حاکمه انسان را صرفاً ناشی از زور و قدرت انسان می‌دانند و مدعی هستند که انسان به علل تصادفی دارای زور و قدرت شده است! بدیهی است که با این فرض، «هدف‌مندی» و «مسئولیت‌پذیری» را برای انسان بی‌معنی بدانند. هدفمندی از طرف چه کسی تعریف شده و در مقابل چه کسی لازم است مسئولیت‌پذیر بود؟ اما از آنجاکه از دیدگاه قرآن، انسان جانشین انتخاب‌شده خداوند در زمین است و به حکم شایستگی و صلاحیت، نه صرفاً زور و چنگال تنازع، از طرف ذی‌صلاحیت‌ترین مقام هستی، یعنی ذات خداوند، برگزیده و انتخاب و به تعبیر قرآن «اصطفا» شده است، و به همین دلیل مانند هر برگزیده دیگر «رسالت» (هدف) و «مسئولیت» دارد؛ رسالت از طرف خدا، و مسئولیت در پیشگاه او. در پرتو این مسئولیت‌پذیری است که فرد به پرورش استعدادهاى خود اهتمام می‌ورزد.

۳. **پرورش استعدادها (استعدادپروری):** بعد از خودشناسی و شکل‌گیری حس درونی مسئولیت‌پذیری بر اساس تعلیمات اسلامی، مکتب مقدس الهی به همه ابعاد انسان، اعم از جسمی و روحی، مادی و معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه داشته و هیچ‌کدام را کنار نگذاشته است و بلکه توجه خاص به «پرورش» همه استعدادها بر اساس اصول معینی داشته است؛ برای مثال در پرورش جسم، اسلام «تن‌پروری» به معنی «نفس‌پروری» و «شهوت‌پرستی» را شدیداً محکوم کرده است، در عین حال، «پرورش بدن» به معنی مراقبت و حفظ سلامت و بهداشت را از واجبات شمرده است و هر نوع عملی را که برای بدن زیان‌بخش باشد حرام شمرده

۱. «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»

است. اسلام آنجا که یک امر واجب (مانند روزه) احیاناً برای بدن مضر تشخیص داده شود، تکلیف آن را ساقط می‌کند؛ بلکه چنین روزه‌ای را حرام می‌داند. هر اعتیادی که برای بدن مضر باشد از نظر اسلام حرام است. آداب و سنن بسیاری در اسلام به خاطر بهداشت و سلامت بدن وضع شده است. نفس‌پروری و شهوت‌پرستی هم ضد روح‌پروری است و موجب بیماری روح و روان می‌گردد، هم ضد بهداشت و پرورش صحیح جسم است و منجر به بیماری جسمی می‌گردد؛ زیرا نفس‌پروری و شهوت‌پرستی منجر به افراط‌کاری‌ها می‌شود و افراط‌کاری‌ها منشأ اختلالات اساسی در بدن است؛ همچنین در کنار پرورش جسم، اسلام به استعداد‌های روحی نیز توجه داشته و پرورش روح را مورد تأکید قرار می‌دهد. پرورش روح یعنی پرورش عقل و فکر و کسب استقلال فکری و مبارزه با اموری که بر ضد استقلال عقل است؛ از قبیل تقلید از نیاکان، از رفتار اکثریت و امثال اینها و همچنین پرورش اراده و کسب مالکیت بر نفس و آزادی معنوی از حکومت مطلقهٔ میل‌ها که این خود مبنای بسیاری از عبادت اسلامی و تعلیمات اسلامی است؛ همچنین پرورش حس حقیقت‌جویی و علم‌طلبی، پرورش عواطف اخلاقی، پرورش حس جمال و زیبایی، پرورش حس پرستش، که همگی مورد توجه عمیق اسلام است در مقابل تبدیل کردن روح به معدن مجموعه‌ای از شهوت‌ها، جاه‌طلبی‌ها، حسادت‌ها و کینه‌توزی‌ها (همان، ج ۱۷، ص ۶۶۱).

۴. **تدبیرگرایی:** رشد انسانی (معنوی)، «رشد تدبیری» نام دارد و «عقل - ارادهٔ مناست» نه «طبیعت - عادت مبنای». رشد تدبیری یعنی رشد و گسترش هیجانات، گرایش‌ها، افکار و رفتارهایی مصلحت‌بنیان. در رشد تدبیری، علت نهایی و نیروی محرک و برانگیزانندهٔ رشد انسان «مصلحت» و رشد التذادی، «لذت» است. لذت را طبیعت تشخیص می‌دهد و فوری است و مصلحت را عقل تشخیص می‌دهد و غیرفوری در نتیجه است. لذت برانگیزانندهٔ میل است و مصلحت برانگیزانندهٔ اراده. رشد التذادی، گسترش‌دهندهٔ لذت و دورکنندهٔ رنج است و رشد تدبیری، گامی به سوی مصلحت‌نهایی (خیر و کمال و یا لذتی در آینده) است که رضایت و خرسندی به دنبال دارد. لذت و رنج مشترکات انسان و حیوان است، اما رضایت و خرسندی یا کراهت و نارضایی از مختصات انسان است و در حوزهٔ تفکرات بشر است، نه حوزهٔ حواس و ادراکات حسی. بر اساس آنچه بیان شد، رشد تدبیری بررسی سیر تحولی نیروی عقل و اراده است و رشد التذادی بررسی سیر تحولی جسم، شناخت، هیجان و میل است. مسیر رشد عقل طی شدن مسیری است که در نهایت نیروی



حسابگر عقل به کمال تحول می‌رسد و خیر و کمالی و یا لذتی را در دور دست می‌بیند و راه وصول به آن را که احیاناً صعب‌العبور است کشف می‌کند و طرح وصول به آن را می‌ریزد، و با نیروی اراده که قوه وابسته به قوه عقل است و نقش اجراکننده مصوبات عقل را دارد و می‌تواند بر خلاف همه میل‌ها و همه جاذبه‌ها و کشش‌های طبیعی، مصوبات عقلانی و طرح‌های فکری را به مرحله عمل درآورد، حرکت می‌کند. عقل و اراده هر اندازه در مسیر رشد نیرومندتر شده باشند، فرمان خود را بهتر بر طبیعت - علی‌رغم تمایلاتش - تحمیل می‌نمایند؛ یعنی از نظر فعالیت‌های تدبیری، انسان تا آنجا دایره فعالیتش گسترش می‌یابد که فعالیت‌های التذادی‌اش را هم دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی‌های مصلحتی تا آنجا ممکن است به دقت پی‌ریزی شود که لذت‌ها در کادر مصلحت‌ها قرار گیرد و هر لذتی در عین اینکه لذت است، مصلحت هم باشد و هر فعالیت طبیعی در همان حال که پاسخگویی به دعوت طبیعت است، اطاعت فرمان عقل نیز باشد و در واقع، طبیعت با عقل و میل با اراده انطباق می‌یابند و هر اندازه از ناحیه عقل و اراده تکامل یافته‌تر، فعالیت‌ها بیشتر تدبیری خواهد شد تا التذادی، و هر اندازه فرد به افق حیوانیت نزدیک‌تر باشد، فعالیت‌هایش بیشتر التذادی است تا تدبیری (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۵۴ - ۵۵). نهایت رشد تدبیری، تحقق انسان رشدیافته است. انسان رشدیافته، انسان عقیده و ایمان است، نه انسان شکم و دامن. بنابراین واقعیت انسانی هرچند همراه و در دامن تکامل حیوانی و مادی او رخ می‌نماید، به هیچ‌وجه سایه و انعکاس و تابعی از تکامل مادی او نیست؛ بلکه خود واقعیتی است مستقل و تکامل‌یابنده، همان‌طور که از جنبه‌های مادی اثر می‌پذیرد، در آنها تأثیر می‌کند (ر.ک: همان، ص ۲۶ - ۲۷).

در اینجا، توجه به دو نکته مهم ضروری است:

- رشد تدبیری، شرط لازم انسانیت است؛ اما شرط کافی نیست! برای آنکه رشد تدبیری فرد را به انسانیت برساند، لازم است رشد عقلانیت و اراده در خدمت مقاصد، اهداف مادی و حیوانی قرار نگیرد، بلکه در جهت‌گیری‌های عالی انسانیت باشد و لااقل با گرایش‌های عالی در تضاد نباشد، و الا جنایت‌آمیزترین فعالیت‌های بشری احیاناً با تدبیرها، تیزهوشی‌ها، طرح‌ریزی‌ها و تئوری‌سازی‌ها صورت می‌گیرد که در تعابیر دینی آن را «نکرا» و «شیطنت» می‌نماند.
- نیروی عقل و تفکر و اندیشه برای تدبیرهای جزئی و محدود زندگی ضروری و مفید است؛ اما قادر نیست طرحی کلی برای همه مسائل زندگی شخصی دنیایی و آخرتی فرد دهد که همه

زندگی دنیای و آخرتی او را دربر گیرد و منطبق بر همه مصالح زندگی دنیا و آخرت او باشد، تا جایی که سعادت همه جانبه را در زندگی دنیا و آخرت او را دربر بگیرد. بنابراین نیاز به یک مکتب و ایدئولوژی ضرورت است تا یک تئوری کلی و طرح جامع و هماهنگ و منسجمی را ارائه دهد که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد (ر.ک: همان، ص ۵۸).

لازم به ذکر است پرورش استعدادهاى روح در پرتو تزکیه و تقوا صورت می‌گیرد. «تزکیه» مورد اشاره «زگاہا» در سوره شمس به دو معناست: ۱. تصفیه کردن و پاک و پاکیزه کردن نفس از آلودگی‌ها؛ ۲. به معنای تمییه یعنی نمو دادن و رشد دادن است؛ مثل گیاهی که در اول به صورت برگ ضعیفی است و بعد اگر شرایط و عوامل مساعد باشند تدریجاً رشد می‌کند. آنچه با بحث رشد و تحول معنوی از نگاه قرآنی هماهنگ است، معنی دوم است؛ یعنی «تزکیه نفس» به معنای رشد دادن، تکامل بخشیدن و از نقص به کمال بردن نفس است. هرچند این دو معنی به ظاهر متفاوت است؛ ولی در برخی موارد تقریباً لازم و ملزوم یکدیگرند. با این بیان که اگر پاکیزه کردن به یک جماد نسبت داده شود، این معنی مغایر با رشد و نمو است؛ مثل اینکه می‌گوییم «تطهیر لباس»، اما اگر به موجودات زنده و روینده که در مسیر رشد و تکامل اند، نسبت داده شود؛ یعنی آنچه که برای آن موجود زنده آلودگی ایجاد می‌کند و ضد و منافی طبیعت‌شان شمرده می‌شود، همان چیزهایی است که مانع رشد آنها هم هست. بر این اساس، «تزکیه نفس» صرفاً پاکیزه کردن نیست؛ بلکه پاکیزه کردنی است که مستلزم رشد و نمو هم هست؛ چراکه نفس و روح انسان یک موجود زنده است که در ابتدا موجود ضعیفی است و تدریجاً رو به کمال می‌رود (ر.ک: همان، ج ۲۸، ص ۵۷۶).

عوامل زمینه‌ساز رشد معنوی

بنا بر آنچه درباره عوامل رشد معنوی از دیدگاه شهید مطهری بررسی شد، از جمله عوامل رشد معنوی، عوامل زمینه‌ساز رشد معنوی است. یکی از عوامل زمینه‌ساز رشد معنوی، نعمت‌هایی است که در دنیا به انسان داده می‌شود که به پرورش و بروز استعدادهاى باطنی او کمک می‌کند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۷۴)؛ همچنین می‌توان گفت شهید مطهری وحی را نیز عاملی



زمینه‌ساز برای رشد معنوی می‌داند؛ اینکه خداوند از افقی ما فوق افق عقل انسان، یعنی افق وحی، خطوط اصلی را در قالب دین مشخص کرده است. کار عقل و علم، حرکت در درون این خطوط اصلی است. با بیان فوق همچنان‌که ضرورت وجود یک مکتب و ایدئولوژی نمایان می‌شود، ضرورت پیوستن فرد به یک مکتب و ایدئولوژی (ر.ک: همان، ص ۵۹ - ۶۰) در قالب دین روشن می‌گردد. شهید مطهری بیان می‌دارد دین در پرتو تولید «ایمان به خدا»^۱ (یک عامل زمینه‌ساز دیگر برای رشد معنوی) و با تکیه بر تولید دانش نسبت به حقایق امور و واقعیات (همان، ج ۲۲، ص ۳۰۷)، با شکل‌دهی عوامل صحیح آموزشی و پرورشی در زمینه شکل‌گیری باورها، عواطف و رفتارهای سالم، «انسانیت بالقوه و بالفطره انسان» را «بالفعل» نموده و معنویت را در انسان رشد می‌دهد و انسان را از حیوان بالطبع بودن می‌رهاند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۰۹). در این میان، فقدان ایمان، مانع رشد معنوی شده و ریشه تمام مشکلات امروز بشر و بحران‌های حل‌ناشدنی و بحران‌هایی معنوی و اخلاقی است! (ر.ک: همان، ص ۱۷۰ و ج ۲۲، ص ۶۳۰). شهید مطهری خاستگاه ایمان را مذهب می‌داند^۲ و بر تفکیک ناپذیر بودن رابطه مذهب و معنویت تأکید دارد (همان، ج ۲۳، ص ۶۷۹)؛ همچنین شهید مطهری تفکر را از عوامل زمینه‌ساز رشد معنوی می‌داند (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۴۷۳). تفکر منجر به رشد عقل و شکل‌گیری انسان کامل می‌شود (ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۲۱۵) و در مسیر رشد عقل، شک را یک مرحله از رشد و اعتلای فکر (همان، ج ۶، ص ۷۳) و مقدمه یقین می‌داند (همان، ج ۶، ص ۸۳).

در بررسی عوامل آشکارساز، مشخص شد که از جمله عوامل آشکارساز رشد معنوی، اعمال صالح، نیات صالح، شناخت‌های صحیح (معرفت‌ها و افکار)، (ر.ک: همان، ج ۲۷، ص ۴۸۶ - ۴۸۸)، زهدورزی، آزمون‌ها و امتحانات الهی، خودسازی و انس با قرآن است. در این باره شهید مطهری اشاره می‌کند، پس خدای متعال موت و حیات را، زندگی و مردگی را (که اول انسان نیست، بعد زنده می‌شود و بعد می‌میرد) در این دنیا آفرید، برای اینکه شما را در آزمون نیکوکاری قرار بدهد^۳ (ر.ک: همان، ج ۲۷، ص ۴۸۶ - ۴۸۸)؛

۱. ایمان؛ یعنی خداآگاهی مقرون به تسلیم و خضوع (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۲، ص ۶۳۰)

۲. پیوستن یک فرد به یک ایدئولوژی آنگاه صورت واقعی به خود می‌گیرد که شکل «ایمان» به خود بگیرد، و ایمان حقیقتی است که با زور و به خاطر مصلحت صورت‌پذیر نیست. با زور می‌توان به مطلبی تسلیم شد و گردن نهاد، ولی ایدئولوژی گردن نهادنی نیست، ایدئولوژی پذیرفتنی و جذب‌شدنی است. ایدئولوژی کارآمد، ایمان می‌طلبد. ایدئولوژی کارآمد، دو ویژگی دارد: اول، داشتن نوعی جهان‌بینی در حدی که بتواند عقل را اقناع و اندیشه را تغذیه نماید و دوم، اینکه بتواند منطقاً از جهان‌بینی خودش هدف‌هایی استنتاج کند که کشش و جذبه داشته باشند؛ بنابراین گفته می‌شود که اقناع و عشق دو عنصر اساسی ایمان هستند (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۲، ص ۵۹ - ۶۰)

۳. «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»

همچنین ایشان بر اساس آموزه‌های اسلامی در تبیین عوامل آشکارساز رشد معنوی معتقد است، رشد، تحول، تکامل و کمال یافتن روح نیازمند مسیر سلبی (زهد) و ایجابی (عبادت) است (ر.ک: همان، ج ۲۹، ص ۳۲۶ - ۳۳۶). در واقع، رشد معنوی و پرورش استعداد‌های روح، در قالب تلاش در جهت اصلاح و پاکسازی نفس محقق می‌شود تا با این لازمه رشد (اصلاح و پاکسازی نفس از طریق مسیر سلبی و ایجابی)، قابلیت و استعداد ذاتی انسان برای رشد و تکامل از دست نرود؛ (شمس: ۹ - ۱۰) ^۱ چراکه تلاش نکردن برای رشد استعدادها و قابلیت‌های روح (روح جوهر زنده است) به یک معنا، جلوگیری از فعلیت یافتن قابلیت حیات یک دانه گندم است؛ دانه گندم استعداد دارد که کشت شود و رشد و نمو کند و به صورت ساقه و سنبله درآید، اما گاهی می‌میرد، دیگر قابل رویدن و رشد نیست.

شهید مطهری همچنین بیان می‌دارند که در مسیر اصلاح و پاکسازی نفس در جهت رشد معنوی و پرورش استعداد‌های روح، یکی از عوامل آشکارساز رشد معنوی، آزمون‌ها و امتحانات است که در زندگی زمینه به فعلیت رساندن قوا و استعداد‌های افراد را فراهم کرده و آنها را در مسیر رشد و تکامل هدایت می‌کند ^۲ (ر.ک: همان، ج ۴، ص ۲۷۴). در همین راستا شهید مطهری فلسفه آزمایش‌های الهی را پرده برداشتن از رازهای موجود نمی‌داند؛ بلکه رسالت این آزمایش‌ها را فعلیت دادن به استعداد‌های نهفته و ایجاد کردن و به کمال رساندن آنچه ظرفیت ایجاد شدن را دارد، می‌داند و دنیا را پرورشگاه استعدادها و دارالتربیه انسان‌ها معرفی می‌کند ^۳ (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۰۶). در واقع، در صورت عدم امتحان، استعدادها بالقوه باقی می‌مانند و به رشد و کمال خود نمی‌رسند؛ همچون تمرینات سختی که ورزشکاران قبل از رفتن به مسابقه و نشان دادن توان حاضر خود انجام می‌دهند، سختی‌ها و مشکلاتی که در دنیا برای انسان ایجاد می‌شود نیز برای تحقق و نشان داده شدن استعداد‌های باطنی و به فعلیت رسیده آنها طراحی شده است. در احادیث هست که خداوند متعال اگر بنده‌ای را دوست داشته باشد، او را در دریای

۱. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»

۲. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالتَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۵). خداوند با فرایندی به نام امتحان (آزمایش) روح انسان را در دنیا در مسیر رشد قرار می‌دهد. آزمایش به سه هدف است: ۱. روشن شدن مطلب برای خود فرد؛ ۲. روشن شدن مطلبی که روشن است، برای فرد دیگر؛ ۳. هدف پرورشی؛ یعنی فردی را در مقام عمل در معرض امتحانات و شداید و گرفتاری‌های مختلف (کوره بلا) قرار دادن، در سر دوراهی‌ها و سختی‌ها قرار دادن، برای آنکه استعداد‌های درونی آن فرد بروز و ظهور کند، که اگر این آزمایش نباشد او در حد خامی و در حد بالقوه باقی می‌ماند. آزمایش الهی دربارهٔ بندگان از نوع سوم است؛ یعنی خصلت تکمیل‌کنندگی و رشددهندگی را دارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۷، ص ۴۸۶-۴۸۷)

۳. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک: ۲)

گرفتاری‌ها و شداید فرو می‌برد، آن‌طور که انسانی را در آب می‌اندازند و فرو می‌رود؛ چنان‌که وقتی می‌خواهند به یک انسان شناگری یاد بدهند او را در آب می‌اندازند و فرو می‌رود. در بیرون آب کسی شناگری یاد نمی‌گیرد. هیچ انسانی در بدو تولد کامل به دنیا نمی‌آید و امکان ندارد کامل به دنیا بیاید. کمال انسان با عمل انسان تحقق می‌پذیرد.

همچنین انس با قرآن وسیله بیداری و هوشیاری است برای کسانی که زنده هستند (حیات دارند) و مایه زندگی (حیات) در روح آنها هست و نمرده‌اند؛ یعنی آنهایی که لااقل پرتویی از حیات و زندگی در دانه روح و قلبشان باقی است (همان، ج ۲۲، ص ۲۰۷) و روح خود را پاکیزه و آلودگی‌هایش را برطرف نموده‌اند.

موانع رشد معنوی

در بررسی موانع رشد معنوی، از جمله موانع رشد معنوی، روح‌گریزی، فطرت‌گریزی، عقل‌گریزی، مذهب‌گریزی، ایمان‌گریزی است. شهید مطهری بیان می‌دارد که برخی به عللی نمی‌خواهند وجود روح ملکوتی را در انسان بپذیرند! (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۲، ص ۵۸۲ - ۵۸۴)؛ همچنین شهید مطهری بیان می‌دارد که اگر فرد اجازه دهد اندیشه‌های اشتباه ضد فطری در جانش رخنه کند، آلودگی اخلاقی در او جای گرفته و به یک معنا کتاب نفسش خط‌خوردگی پیدا کرده از اعتبار می‌افتد؛ (شمس: ۹ - ۱۰) ^۱ مثل سندی که تا وقتی اعتبار دارد که در آن دست برده نشده باشد و همان‌طور که از اول تنظیم شده باقی مانده باشد (ر.ک: همان، ج ۲۸، ص ۵۸۰). از سوی شهید مطهری بیان می‌دارد که در طول تاریخ عدم رشد کافی عقل سبب انحراف مسیر رشد معنوی شده است! در تاریخ عقول که رشد نکرده‌اند مفاهیم و مسائل غیر محسوس و ملموس؛ یعنی مفاهیم مجرد و پاکیزه توحیدی و صفات خداوند را نتوانسته‌اند درک کنند و خواه ناخواه بعد از مدتی برای اینکه این اعتقاداتشان را در ذهنش شان نگه دارند، به سمت اشیای ملموس و آنچه قابل حس کردن و قابل دیدن است؛ یعنی یک سری واسطه رفته‌اند برای اینکه خداوند و صفات او را در آن واسطه‌ها ببینند و بتوانند خدای خودش را پرستش کنند. به مرور و بعد از مدتی همین واسطه‌ها و همین ملموسات و تجسم‌هایی که ایجاد کرده‌اند، خودشان جانشین آن اعتقاد اولیه شده و آن اعتقاد به فراموشی می‌رفت و خواه ناخواه باز پیغمبر دیگری ظهور می‌کرد تا آنها را از این افکار آلوده و منحرف برگرداند (ر.ک: همان، ج ۴،

۱. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا».

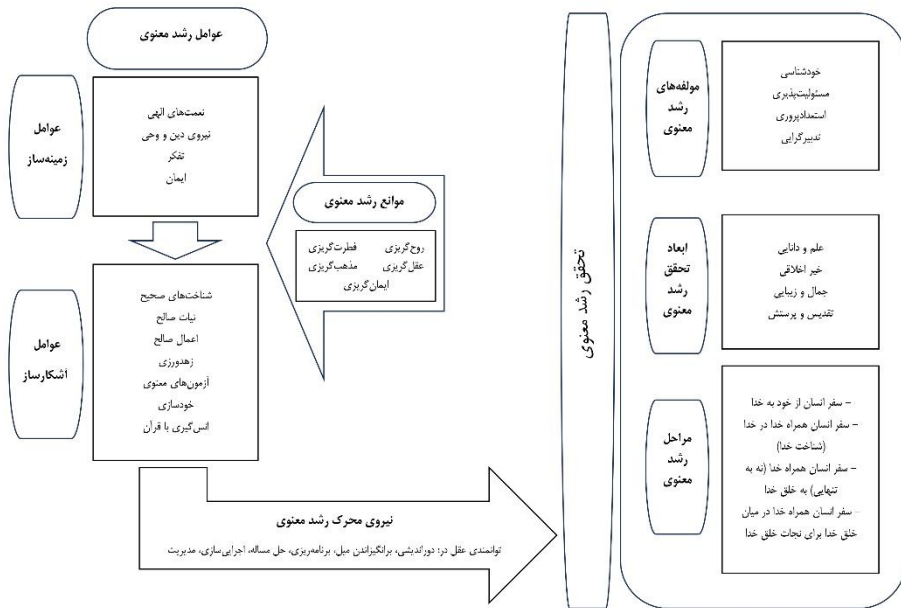
ص ۵۰۸). عدم پیروی از عقل، روح انسان را در مسیر مخالف فطرت و عناد با حقیقت قرار می‌دهد و رشد عناد در فرد انسان را تبدیل می‌کند به ضد انسان (همان، ج ۲۶، ص ۵۸۴). علم و دانش جنبه مادی تمدن را شکل داده و طبیعت را در کنترل بشر درمی‌آورد و ایمان، جنبه معنوی تمدن را شکل داده و نفس را در کنترل انسان درمی‌آورد و علم بدون ایمان ناقص است! (ر.ک: همان، ج ۲۶، ص ۱۷۰ و ج ۲۲، ص ۶۳۰). بر این اساس، شهید مطهری اشاره می‌کند که دنیای امروز علی‌رغم آنکه معنویت را یک امر لازم و ضروری می‌داند، میان معنویت و مذهب تفکیک قائل است! از این دیدگاه مذهب‌گریز، تحقق معنویت به آن است که به مسائل از دیدی انسانی بدون توجه به رنگ، نژاد، مذهب و بدون هیچ‌گونه تعصبی نگریسته شود و از این منظر، مذهب از آن نظر که میان گروه‌ها، میان پیروان و غیرپیروان فرق می‌گذارد و حقوق متفاوتی میان پیروان و غیرپیروان قائل است؛ پس دید انسانی ندارد! و به علاوه مذهب توأم با تعصب است! و تعصب نوعی بیماری و ضد معنویت و ضد سلامت روح و روان است! پس باید دنیایی ساخت توأم با معنویت، اما منهای مذهب! (همان، ج ۱۰، ص ۱۶).



الگوی رشد معنوی

بر اساس آنچه بیان شد، همان‌گونه که در شکل (۱) آمده است، می‌توان گفت عوامل رشد معنوی در قالب دو دسته عوامل زمینه‌ساز (نعمت‌های الهی، نیروی دین و وحی، تفکر، ایمان) و عوامل آشکارساز (شناخت‌های صحیح، نیات صالح، اعمال صالح، زهدورزی، آزمون‌های معنوی، خودسازی، انس‌گیری با قرآن) سبب به راه افتادن نیروی محرک رشد معنوی بر اساس توانمندی عقل در دوران‌دیشی، برانگیزاندن میل، برنامه‌ریزی، حل مسئله و اجرایی‌سازی می‌شوند و این مهم منجر به تحقق رشد معنوی می‌شود. در تحقق رشد معنوی، مؤلفه‌های روان‌شناختی رشد معنوی عبارت‌اند از: خودشناسی، مسئولیت‌پذیری، استعدادپروری و تدبیرگرایی است که در ابعاد چهارگانه علم و دانایی، خیر اخلاقی، جمال و زیبایی، و تقدیس و پرستش محقق می‌شود و طی چهار مرحله فرد را به رشد اخلاقی می‌رساند: ۱. سفر انسان از خود به خدا؛ ۲. سفر انسان همراه خدا در خدا (شناخت خدا)؛ ۳. سفر انسان همراه خدا - نه به تنهایی - به خلق خدا؛ ۴. سفر انسان همراه خدا در میان خلق خدا برای نجات خلق خدا.

۱. «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ» (روم: ۵۶)



شکل ۱: الگوی رشد معنوی در دیدگاه شهید مطهری

منابع

- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمدرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. روش شناسی پژوهش در علوم انسانی، ۳(۲)، ۴۴ - ۱۵.
- زارع بیدکی، فاطمه و میردهقان بنادکی، فاطمه (۱۳۹۸). روان‌شناسی دین و نقش دین و معنویت در سلامت روانی انسان. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و سلامت روانی - اجتماعی.
- فرقانی، مرتضی؛ نوری، نجیب‌الله و شیخ شعاعی، علیرضا (۱۳۹۱). نگاهی به روان‌شناسی اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قوچانی غروی، عبدالحمید؛ ایمانی نائینی، محسن؛ محمودنیا، علیرضا و رضازاده بهادران، حمیدرضا (۱۴۰۲). شبکه معنایی الزامات تربیتی در واکاوی انسان‌شناسانه آثار مرتضی مطهری. فصلنامه علمی بازیابی دانش و نظام‌های معنایی، ۱۰(۳۷)، ۲۲۳ - ۲۶۱.
- شمس مفرحه، سیدکاظم؛ شرفی جم، محمدرضا؛ ایروانی، شهین و یاری قلی، بهبود (۱۳۹۷).

- تحلیل مفهوم، مبانی، اهداف و اصول عدالت تربیتی از منظر شهید مطهری. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۶(۴۱)، ۵ - ۲۸.
- مروتی، سهراب؛ بیرانوند، زینب (۱۳۹۲). واکاوی مفهوم انسان معنوی در اندیشه شهید مطهری. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، ۶(۱۹)، ۹۸ - ۸۳.
- بهشتی، سعید؛ مدور، معصومه و فرمهبینی فراهانی، محسن (۱۳۹۹). مبانی تربیت اخلاقی در نظریه انسان‌شناسی شهید مطهری. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۲۸(۴۸)، ۳۰ - ۵.
- نجاری، رضا (۱۳۹۰). روش نظریه‌پردازی شهید مطهری در مبحث رشد. دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، ۱۹(۲)، ۸۷ - ۱۰۳.
- نظرپور، حامد و سپاهی، مجتبی (۱۳۹۸). رابطه معنویت و الاهیات از دیدگاه مک‌گراث و شهید مطهری. الاهیات تطبیقی، ۱۰(۲۲)، ۱۷ - ۳۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). انسان از آغاز تا انجام، قم: مرکز نشر اسراء.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۹). بررسی‌های اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، مجموعه آثار. قم: صدرا.
- ملکی، حسن (۱۳۸۳). اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری. مصباح، ۵۰، ۱۰۳ - ۱۲۶.
- کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائینی، علی و مهری، رضا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر معنویت بر ابعاد مختلف فردی در سازمان مبتنی بر نظریات شهید مطهری، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، ۲۳(۲)، ۶۷ - ۸۱.
- Doehring, C. (2019). Using spiritual care to alleviate religious, spiritual, and moral struggles arising from acute health crises. *Ethics, Medicine and Public Health*, 9, 68-74.
- Gale, M., Hendricks, J. J., Dollahite, D. C. & Marks, L. D. (2023). Perspectives on Lifespan Religious and Spiritual Development from Scholars across the Lifespan. *Religions*, 14(3), 362-381.
- Juniartha, M. G. (2020). Praktik Spiritual Sebagai Komoditi Sosial Dalam Era Globalisasi. *Widya Genitri: Jurnal Ilmiah Pendidikan, Agama Dan Kebudayaan Hindu*, 11(1), 29-43.
- Ryff, C. D. (2021). Spirituality and well-being: Theory, science, and the nature connection. *Religions*, 12(11), 914.

